

## مطالعه بایدها و نبایدهای آئین بودا در سرودی به زبان ختنی

سارا روحانی\*

مهشید میرفخرایی\*\*

### چکیده

زبان ختنی در شمار زبان‌های ایرانی میانه شرقی جای می‌گیرد و در مقایسه با زبان‌های دیگر کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است. مطالعه و بررسی متون ختنی در شناخت آداب و رسوم، فرهنگ و باورهای مردم سرزمین ختن کمک شایانی می‌کند و از این طریق می‌توان به مشترکات فرهنگی بیشتری میان فرهنگ ایران و هند باستان پی برد. در این راستا بررسی متون ختنی از جمله کتاب زَمبَسْتَه که سرشار از تفسیرها و مفاهیم رایج آئین بودایی و شامل آموزه‌هایی از مکتب مهم این آئین یعنی مه‌ایانه است، ضروری می‌نماید. فصل دوازدهم این کتاب فصلی آموزه‌ای است و به سَمورَ (= خویش‌داری اخلاقی) که اولین گام در راه رسیدن به رستگاری است، اختصاص دارد و به گناهانی اشاره می‌کند که سبب از بین رفتن سَمورَ می‌شوند. این گناهان به دو گروه گناهان بزرگ و کوچک تقسیم می‌شوند که هر یک خود شامل گناهان متعددی است. دوری از این خطاها سبب می‌شود تا شخص شایستگی‌های خود را افزایش داده و به نیروانه نائل گردد که هدف و نتیجه این آموزش‌هاست. پژوهش حاضر به بررسی بایدها و نبایدهای آئین بودا بنابر فصل دوازدهم کتاب ختنی زَمبَسْتَه پرداخته است.

**کلیدواژه‌ها:** زبان‌های ایرانی میانه شرقی، زبان ختنی، کتاب زَمبَسْتَه، آئین بودا، بایدها و نبایدهای آئین بودا.

---

\* دانش‌آموخته دکتری، رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران،  
ایران، Sarah\_rouhani@yahoo.com

\*\* استاد، فرهنگ و زبان‌های باستانی، پژوهشکده زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
(نویسنده مسول)، mahshidmirfakhraei@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۰۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۳

## ۱. مقدمه

مطالعه زبان‌های ایرانی میانه مانند فارسی میانه، پارتی، خوارزمی، بلخی، سغدی و سکایی (ختنی و تمشقی) برای شناخت آداب و سنن، فرهنگ و باورهای مردم باستان ضروری است. از میان زبان‌های ایرانی میانه، زبان ختنی، جزو زبان‌های ایرانی میانه شرقی به شمار می‌آید (میرفخرایی، ۱۳۷۱، ص ۲۱۷). مطالعه و بررسی زبان ختنی به دلیل ویژگی‌های زبانی و غنای فرهنگی و پیوستگی آن با آئین بودایی و زبان سنسکریت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و برای شناخت بهتر فرهنگ ایران باستان، بررسی علمی و تجزیه و تحلیل زبان‌ها و فرهنگ‌هایی که در طول تاریخ زبان و ادب فارسی از دوره باستان تا نو با آن‌ها پیوسته بوده نیز ضرورت دارد. همچنین از طریق مطالعه در زبان و فرهنگ ختنی، می‌توان به مشترکات فرهنگی بیشتری میان فرهنگ ایرانی و هند باستان پی برد (میرفخرایی، ۱۳۸۳، ص ۱).

از جمله افرادی که متون ختنی را مطالعه و بررسی کرده‌اند می‌توان به هارولد بیلی (Bailey)، رونالد امریک (Emmerick)، درسدن (Dresden) و مچی (Maggi) اشاره کرد. بیلی کتابی را با نام Prolexis to the book of zambasta (pbz) در سال ۱۹۶۷ منتشر کرد، که مجموعه‌ای بسیار مختصر و شامل واژه‌های سنسکریت دخیل در ختنی است؛ همچنین واژه‌نامه ختنی را تحت عنوان Dictionary of Khotan saka (DKS) در سال ۱۹۷۹ تألیف نمود. امریک نیز جامع‌ترین دستور زبان ختنی را در سال ۱۹۶۸ با نام Saka Grammatical Studies تألیف نمود که شامل ماده‌های فعلی، ریشه‌شناسی، صرف فعل، اسم و صفت، شناسه‌های صرفی افعال، پایانه‌های صرفی اسم و صفت به همراه توضیحات ریشه‌شناسی است. وی در سال‌های ۱۹۹۲ و ۲۰۰۸ کتاب‌های A Guide to the Literature of Khotan و An Introduction to Khotanese را منتشر کرد. درسدن در سال ۱۹۷۷ کتاب Khotanese (Saka) Manuscripts: a Provisional Handlist را تألیف نمود. مچی نیز در سال ۲۰۰۸ کتاب khotanese literature را منتشر کرد.

مهم‌ترین پژوهشی که در ایران صورت گرفته، شامل کتاب «درآمدی بر زبان ختنی» از مهشید میرفخرایی است که در سال ۱۳۸۳ منتشر شده و شامل مقدمه‌ای درباره سرزمین ختن، اسناد و خویشاوندی زبانی و ... دستگاه خط و نظام آوایی، دستور، متن گزیده، برگردان فارسی، یادداشت‌ها و واژه‌نامه است. همچنین در سال ۱۳۸۸ کتاب «اصل خلاء یا تهیگی بنابر آموزه بودا» را که شامل متن، ترجمه و واژه‌نامه است، تألیف نموده و مقالاتی نیز

از کتاب زَمَبَسْتَه از فصل دهم با عنوان «قطعه شعری به زبان ختنی»، فصل بیستم با عنوان «رنج جهانی در آئین بودا، سرودی به زبان ختنی»، فصل سیزدهم با عنوان «گردونه های آئین بودا، سرودی به زبان ختنی» و در بررسی شباهت‌ها و اقتباس‌های فرهنگی نیز می‌توان به مقاله‌های «تمثیل پیل و خانه تاریک و خرد همه آگاه در شعری به زبان ختنی» سال ۱۳۸۴ و «گاهشماری دوازده حیوانی در متنی به زبان ختنی» سال ۱۳۸۷ از مهشید میرفخرایی چاپ شده است. با توجه به اینکه پژوهش در زمینه مطالعه متون ختنی همچنان ادامه دارد، ولیکن شمار تلاشگران در این حوزه اندک است و هنوز باید بر روی متن‌ها کار شود.

برای بررسی زبان ختنی، کتاب زَمَبَسْتَه، به عنوان منظومه‌ای طولانی به زبان ختنی قدیم، منبع مورد اطمینانی است و به عنوان تصنیفی اصیل و بومی، در چندین فصل آموزه‌های مکتب مهاییانه بودایی را تفسیر می‌کند (میرفخرایی، ۱۳۹۲، ص ۹۸). فصل دوازدهم کتاب زَمَبَسْتَه به بایدها و نبایدهای آئین بودا اختصاص دارد و در این پژوهش به این مقوله پرداخته شده است.

## ۲. زبان ختنی

سرزمین ختن، معروف به قلب دوم آسیا، در قسمت شرقی آسیای میانه واقع شده و روزگاری یکی از مراکز مشهور و مهم آئین و فرهنگ بودایی بوده است. این سرزمین در بخش جنوبی جاده باستانی ابریشم قرار دارد و در گذشته بیشتر به سبب یشم سبز که محصول شاخص آن بوده، شهرت داشته است (میرفخرایی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۳). پایه‌گذاری ختن در روایات مکتوب به پسر و وزیران اشوکه (Aśoka) نسبت داده شده است که به سده سوم پیش از میلاد باز می‌گردد (میرفخرایی، ۱۳۸۳، ص ۷-۸).

زبان سکایی، یکی از زبان‌های ایرانی میانه شرقی محسوب می‌شود و دارای دو گویش تمشقی و ختنی است و از نظر زبانی و جغرافیایی، قرابت این دو گویش به نحوی است که می‌توان آن دو را گویش‌های مختلفی از یک زبان در نظر گرفت (Emmerick 2009:377). این زبان محدود به منطقه ختن نبوده و منطقه وسیع‌تری را از کاشغر به سوی شرق تا تمشق، واقع در شمال صحرای تاکلاماکان و از کاشغر تا ختن، واقع در جنوب این صحرا شامل می‌شده است (تفضلی ۱۳۷۸، ص ۳۶۵). گویشی را که در شمال بدان تکلم می‌شد گویش شمالی (تمشقی) و گویشی را که در جنوب رواج داشت، گویش جنوبی (ختنی)

نامیدند. از آنجایی که سکاییان در نوشته‌های خود واژه hvatana را به کار برده‌اند و بدلیل اینکه این متون در منطقه ختن کشف شده‌اند، بیلی (Bailey) نام «ختنی» یا «ختن-سکا» را برای آن برگزید (Emmerick 2008:198). در مورد رواج زبان ختنی در این منطقه نمی‌توان بطور دقیق قضاوت کرد. احتمالاً از نیمه دوم سده اول پیش از میلاد در ختن به این زبان تکلم می‌شده، ولیکن دوره رواج این زبان را باید از سده سوم میلادی به بعد دانست (Emmerick 2009:337). آثار به‌دست آمده از ختنی متعلق به سده چهارم تا اوایل سده پنجم میلادی هستند (میرفخرایی، ۱۳۹۳، ص ۵۳۳-۵۴۵). برخی متون ختنی دینی و برخی دیگر غیردینی هستند، که البته هر دو گروه تحت‌تأثیر آئین بوداست. همچنین نوشته‌های غیردینی شامل متون پزشکی، داستانی و بازرگانی می‌باشد (تفضلی، ۱۳۷۸، ص ۳۶۵).

### ۳. کتاب زَمَبَسْتَه

کتاب زَمَبَسْتَه منظومه‌ای طولانی به زبان ختنی قدیم و منبع اصلی دانش ما از زبان ختنی به شمار می‌آید؛ همچنین شامل مجموعه‌ای عظیم از تفسیرها و مفاهیم رایج آئین بودایی است که جنبه‌های گوناگون دین بودا و آموزه‌هایی از مکتب مهم این آئین یعنی مهاییانه (Mahāyāna)<sup>۱</sup> را منعکس می‌کند. در این مجموعه هیچ عنوانی بر این اشعار دیده نمی‌شود، تنها از روی پایان نوشته‌های کتاب چنین برمی‌آید که شخصی به نام زَمَبَسْتَه (Zambasta) دستور تحریر آن را داده است و بدین دلیل بنا بر پیشنهاد «بیلی» این نام برای این منظومه پیشنهاد و برگزیده شده است. از تعداد زیاد دستنویس‌های موجود از این متن، می‌توان به این نتیجه رسید که در سرزمین ختن از اهمیت و محبوبیت بسیار برخوردار بوده است (میرفخرایی، ۱۳۹۲، ص ۹۸-۹۹؛ ۱۳۸۳، ص ۹۹-۱۰۰).

این منظومه شامل ۲۰۷ برگ و دارای ۴۰۰۰ بیت و احتمالاً بیست و پنج فصل بوده که اکنون بیست و چهار فصل آن موجود است. دو فصل نخست این مجموعه تفسیرهایی از سوتره‌هایی با محتوای افسانه‌ای است. فصل‌های ۳-۱۲ از فصل‌های آموزه‌ای این کتاب به شمار می‌رود و با فصول ۱۴-۲۱ مقارن هستند. فصل ۱۳ که فصل میانی محسوب می‌شود، امتیازات و برتری‌های مکتب مهاییانه را نسبت به مکتب هینه‌یانه بیان می‌کند. تاریخ تصنیف این اثر مشخص نیست ولیکن دلایلی وجود دارد که نشان می‌دهد زودتر از سده هفتم میلادی نبوده است. ختن جایگاه و پایگاه آئین بودایی و بویژه مکتب مهم آن، مهاییانه بوده و دانشمندان ختن بسیاری از آثار بودایی نوشته شده به زبان سنسکریت و پالی را به زبان خود

برمی‌گردانند و گاه تفسیرهایی بر آن‌ها می‌افزودند. برخی از فصل‌های کتاب زمبسته (۲ و ۸ و ...) برگردان و تفسیرهای متون بودایی است (میرفخرایی، ۱۳۹۲، ص ۹۸-۹۹). امریک این مجموعه را در سال ۱۹۶۸ به انگلیسی ترجمه کرده است.

#### ۴. فصل دوازدهم کتاب خنتی زمبسته

فصل دوازدهم این کتاب، قطعه شعری مشتمل بر ۱۳۴ بند است که ۱۲۲ بند آن محفوظ مانده و بندهای ۹۷ تا ۱۰۸ آن از میان رفته است. این فصل مشتمل بر مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهای آئین بودا است و فصلی آموزه‌ای محسوب می‌شود. بندهای نخستین این فصل به سَمَوَر (Samvara)<sup>۲</sup> به معنای خویشتن‌داری اخلاقی یا متوقف ساختن تأثیرات گرمه‌ها یا اعمال پیشین انسان، اختصاص دارد، که نخستین گام و یکی از عالی‌ترین و ارجمندترین مراحل نیل به پرهیزگاری به شمار می‌آید و همانند نگهبانی است که ذهن و حواس آدمی را در تسلط خود دارد و پیوسته می‌کوشد تا هر آنچه را که پست و ناپسند است، از او دور سازد تا دستخوش حرص و آز، یأس و ناامیدی نشود و در جهت رسیدن به نیروانه (Nirvāna)<sup>۳</sup> آماده شود (Nyanatiloka 1988: 317-318). سَمَوَر نخستین گام در راه نابودی گرمه‌های زیان‌بخش انباشته شده است. جهان یا سنساره (Saṃsāra)<sup>۴</sup> مانند اقیانوس است و روح آدمی مانند قایقی است که برای عبور از اقیانوس و رسیدن به ساحل آزادی و رهایی تلاش می‌کند. سوراخ‌های قایق همچون ذرات گرمه‌ای است که در حال راه یافتن به روح شخص است. از این رو نخستین گام مسدود کردن راه نفوذ و جلوگیری از ورود آب به قایق است و این عمل همان سَمَوَر است. رهایی و نجات تا زمانی که روح از اسارت این گرمه‌ها رها نشده، ممکن نیست. رهایی زمانی رخ خواهد داد، که نخست جریان گرمه‌های جدید متوقف شود و سپس با دور کردن گرمه‌های زیان‌بخش باقی مانده از طریق تلاش‌های آگاهانه، به رهایی و نجات رسید (Sanghvi 1974:320). همچنین انسان باید بر مجموعه‌ای از اعمال خود مانند اندیشیدن، سخن گفتن، مراقبت از تن خویش، حرکت کردن، صحبت کردن، خوردن، قرار دادن اشیاء و دفع دور ریختنی‌ها تسلط یابد و فضایل خوبی همانند بخشش، فروتنی، صراحت، قناعت، تسلط بر خود، توبه، چشم پوشی، عدم وابستگی و خویشتن‌داری را کسب کند و بر حقایق جهان مراقبه کند و صبور باشد و تلاش کند تا بطور مداوم در مسیر تمرینات معنوی خود باقی بماند (Bhatlacharya 1976:45-47). در

این مرحله فرد آموزش‌های لازم برای پذیرش سَمورَ را می‌بیند و آمادگی می‌یابد تا به آن متعهد شود و قانون‌های متعلق به آن را انجام دهد.

## ۵. بایدها و نبایدهای آئین بودا بنابر فصل دوازدهم کتاب زَمبَسته

در زبان ختنی āra- به معنای «گناه، خطا، تقصیر، عمل نادرست» است. این واژه از \*arna- و از ریشه ar- به معنای «کردن، کار کردن» که در هندی باستان -ā- از همین ریشه است و در زبان پهلوی arg «زحمت، کار» و در زبان سغدی rkh است (میرفخرایی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۹). برای رسیدن به رهایی و نجات ابتدا باید از گناه دوری کرد و از این رو آموزگار مجموعه‌ای از گناهان را به شخص متعهد به سَمورَ متذکر می‌شود، که ارتکاب به آن‌ها سبب از دست دادن تمام خوبی‌ها و شایستگی‌ها می‌شود. در بیت‌های (۴۰-۴۹) آموزگار به چهار گناه بزرگ اشاره دارد که عبارتند از: ۱- تحقیر کردن دیگران؛ ۲- حریص و طماع بودن؛ ۳- خشم بسیار و پوزش نخواستن؛ ۴- تحقیر و بی‌احترامی به قانون مه‌ایانه. کسی که سَمورَ را از دست می‌دهد، درست به مانند کسی است که سر انسانی را قطع می‌کند. در بیت‌های (۵۰-۵۲) شخص نیت می‌کند از هرگونه بدی و گناه دوری کند و می‌کوشد تا از کسانی که پیش از او این عهد را پذیرفته‌اند، پیروی نماید. در بیت‌های (۵۳-۱۳۲) خطاها و گناهان کوچک‌تر ذکر می‌شوند. در دو بیت پایانی (۱۳۳-۱۳۴) اعلام می‌شود که، فرد متعهد باید همواره در تلاش باشد تا سَمورَ را حفظ کند و بر تعهد خود باقی بماند (Emmerick, 1968: 165). در این پژوهش ابتدا به گناهان بزرگ و سپس به گناهان کوچک اشاره می‌شود؛ لازم به یادآوری است به سبب از بین رفتن بندهای ۹۷-۱۰۸ برخی گناهان کوچک ذکر نشده و به دلیل تشابه در عنوان برخی گناهان که در متن ذکر شده، این گناهان با هم و در یک مجموعه آورده شده‌اند؛ توضیحات نیز در پی‌نوشت ذکر شده است. این پژوهش به بررسی بایدها و نبایدهای این فصل پرداخته است، که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود:

### ۱.۵ گناهان بزرگ

چهار گناه بزرگ که ارتکاب به آن‌ها سبب می‌شود تا سَمورَ و تمام نیکی‌هایی که فرد متعهد کسب کرده، از دست بدهد و تنزل مقام یابد و از همه خوبی‌ها محروم شود عبارتند از: ۱-

مطالعهٔ بایدها و نبایدهای آئین بودا در سرودی به زبان ختنی ۸۵

تحقیر کردن؛ ۲-حریص بودن؛ ۳-خشم شدید؛ ۴-بی‌احترامی به قانون مه‌ایانه. آموزگار از رهرو می‌خواهد تا از این چهار عمل ناشایست دوری کند تا سمورَ را از دست ندهد (Emmerick, 1968: 170-171).

### ۱.۱.۵ تحقیر کردن

41 ka hāvā pajsamā kādāna haṇḍara nyaste  
uysānye buljāte śā paḍā pathamka

اگر کسی بخاطر منفعت و احترام، دیگران را تحقیر کند [اما] به خود احترام کند، این نخستین خویشتن‌داری است.

اگر شخصی به خاطر منافع شخصی، دیگران را تحقیر و به آنها بی‌احترامی کند خطا کرده و این نخستین خطای بزرگی است که شخص متعهد به سمورَ باید از آن دوری کند (Emmerick, 1968: 170-171).

### ۲.۱.۵ حریص بودن

42 śātu hīsu yande ttatatu vīro dātu  
kvī aśtā häysdā cai pajättā ne heḍā

دوم، [اگر] کسی نسبت به دارایی [یا] دربارهٔ قانون<sup>۵</sup> حریص باشد [و] به کسی که از او چیزی می‌خواهد ندهد، حتی اگر برای او آماده باشد.

اگر کسی چیزی را که می‌تواند و قادر است به دیگری بدهد و بدین وسیله به او کمک کند، به دلیل حرص و طمع از او دریغ کند، مرتکب دومین گناه بزرگ شده است (Emmerick, 1968: 170-171).

### ۳.۱.۵ خشم شدید

43 ysīro ysurru yande ku-ṃ jsa haṇḍaru mīndā.  
dukhevāte u ne ne kṣa-mātā auysde śā dada

[اگر] خشم شدید گیرد و از این طریق دیگری را آسیب رساند و ناشاد سازد و از او بخشش (=پوزش) نخواهد [بلکه] برافروخته شود، این سومین گناه است.

اگر شخص از روی خشم و عصبانیت به دیگران صدمه و آسیب برساند و عفو و پوزش نخواهد، سومین خطای بزرگ را مرتکب شده است (Emmerick, 1968: 170-171).

#### ۴.۱.۵ بی‌احترامی به قانون مه‌ایانه

44 kye mahāyānu      dātu nyaste ne ysūṣḍe  
nei hvate śtā balysi      apramānvī yande

45 ṣāte tcūramā dharmā      tcamna hāmāte paramjsā  
biśśāṇe śśārateto jsa      balysūṣṭe jsa nyauṣṭā

کسی که قانون مه‌ایانه را خوار شمرد و برای آن ارزش قائل نشود و آن را بی‌اعتبار سازد و [بگوید]: «بودا آن را اعلام نکرده است»، این چهارمین گناه است که با آن شخص از درمه (dharma) بر می‌گردد و از همه خوبی‌ها و بودی (=آگاهی، بیداری) محروم می‌شود. چهارمین گناه بزرگ بی‌احترامی به قانون مه‌ایانه است. اگر کسی به قانون و آئین مه‌ایانه احترام نگذارد، آن را تحقیر کند و آن را بی‌ارزش بداند، از همه خوبی‌ها و آگاهی‌ها دور خواهد شد و در نتیجه مرتکب گناه بزرگی شده است (Emmerick, 1968: 170-171).

#### ۲.۵ گناهان کوچک

گناهان کوچکی که در این فصل به آن‌ها اشاره شده عبارتند از: ۱- خشم و غرور؛ ۲- حسادت؛ ۳- بی‌توجهی و نادیده گرفتن دیگران؛ ۴- دوری نکردن از گناه؛ ۵- پوزش نخواستن و عذر دیگران را نپذیرفتن؛ ۶- توهین و بدزبانی؛ ۷- ناسپاسی؛ ۸- ثروت‌اندوزی؛ ۹- بی‌احترامی؛ ۱۰- تنبلی؛ ۱۱- پرحرفی؛ ۱۲- طلب نی‌وزنه (nivarana)؛ ۱۳- پرسش نکردن درباره آموزش‌ها؛ ۱۴- به خدمت گرفتن دیگران؛ ۱۵- نیت‌بد؛ ۱۶- دروغ و حيله؛ ۱۷- تمسخر کردن و پريشان کردن دیگران (Emmerick, 1968: 172-185).

#### ۱.۲.۵ خشم و غرور

61 cī nāmandraindā.      u ysurre jsa hā ne jsāte

o ṣkālsu yīndā      ārru byehātā ttīyā

62 atā ttaudu bulysu      u agapīnai heḍā.



o yä pandāya pva'ṇä ttīyā anārrä

هنگامی که از او دعوت کنند و از روی خشم نرود، یا مغرور باشد، پس مرتکب خطا می‌شود. [اگر] هوا بسیار گرم است، راه طولانی است، و شخص ناپاکی هدیه‌ای آماده می‌سازد، یا خطری برایش در راه است، بدین ترتیب او بی‌گناه است.

67 ka bodhisatvä. ośa-taraṇa uysno-

ra ysurre jsa naṣkaljä-te o mānāna nyaste

68 āragāḍä hämate ka ttāna härna pathīstā

baśdye jsa īstā ttīyā vātcu anārrä

اگر بودی‌ستوه (bodhi-sattva)<sup>۹</sup> به سبب خشم، بدکاران را دور کند یا از روی غرور آنها را تحقیر کند، گناهکار است. اگر از این کار خودداری کند و از گناه باز گردد، بدین ترتیب او بی‌گناه می‌شود.

85 ka bodhisatvä ysurregyä āste hamraṣṭo

handarye vaska. ṣä \*āragāḍä hamraṣṭu

اگر بودی‌ستوه پیوسته نسبت به دیگری خشمگین باشد، او همواره گناهکار است.

110 ka bodhisatvä . aštā ūvāśa tterä

u hä ne jsāte ku ye dātu pyṣde śśāru

111 vīrāna ysurre jsa o ṣkālśu yīndi ttāna

ārrī anārrä kuī māstarä hävā väte

اگر بودی‌ستوه چنین فرصتی دارد و به جایی که شخص قانون خوب را می‌شنود، نرود، از روی دشمنی و [یا] خشم، یا اگر بسیار مغرور باشد، بدین سبب مرتکب خطا شده است. [اما] اگر سود خودش (از نرفتن) بیشتر بود، بی‌گناه است.

126 ka śśārye hālai satvānu nvaṃde

ne-ṃ nā yīndä ysurre jsa ārru byehāte ttīyā

اگر از روی خشم با آرزوهای موجودات از جهت خوب موافق نباشد، در این صورت مرتکب خطا شده است.

اگر بودی ستوه به سبب خشم و غروری که دارد، به جایی که دعوت شده نرود؛ بدکاران را تحقیر کند؛ نسبت به دیگران پیوسته عصبانی و خشمگین باشد؛ قانون و آئین بودا را به کسانی که طالب شنیدن آن هستند اعلام نکند و با آرزوهای دیگران مخالفت کند مرتکب خطا شده، ولیکن اگر توبه نماید و یا اگر انجام این کارها به سود او نباشد و خطری برای او بوجود آورد، بدین ترتیب او بی‌گناه است (Emmerick, 1968: 172-185).

### ۲.۲.۵ حسادت

127 ṣṣahāne pyūmjāte tte ce pharu ṣṣahāne  
arete jsa ysurre jsa ārru byehāte ttīyā

اگر از روی حسادت [یا] خشم ارزش‌های فردی را که ارزش‌های بسیار دارد انکار کند، پس مرتکب خطا شده است. (Emmerick, 1968: 172-185).

### ۳.۲.۵ بی‌توجهی و نادیده گرفتن دیگران

94 ku bodhisatvä jāna väte baittä kädä  
satva paśśāte u jāna vātā ramāte samu.  
95 ārrī māstä. ku-m jsa nīvara(ṇa) puṣṣo  
dremāte paṇjsa nai ju vara ārru kari

اگر بودی ستوه بسیار به مراقبه‌ها وابسته شود به طوری که از موجودات غفلت کند، و تنها از مراقبه‌ها لذت برد، مرتکب خطای بزرگ شده است. اگر از طریق آنها پنج نی‌ورنه را کاملاً براند، در این مورد اصلاً گناهی ندارد.

114 ku bodhisatvä anandīśśāte hvā'ndāna  
puṣṣo kye ju puña yande ni ggītte śśārku kädē  
115 kho bodhisatvä . ggīhāñu hvam'dā puña .  
ārru anārru kuī handari ggītte hve'

زمانی که بودی ستوه‌ای نسبت به فردی که نیکی‌ها را کسب می‌کند کاملاً بی‌تفاوت باشد و خیلی خوب به او کمک نکند، [چون] بودی ستوه باید با توجه به شایستگی‌های فرد به وی کمک کند، پس این خطا است. [ولی] اگر فرد دیگری به او کمک کند، خطا نیست.

116 ka bodhisatvä āchānau paśśātā puṣṣo

u nai haṃdāḍe ārragāḍā hāmāte kāḍe.

117 anārrā ttīyā ahotanā hamatā vāte

o yā yanīndā vaṭhānu handara śśārā

اگر بودی ستوه فرد بیماری را کاملاً نادیده بگیرد و به او توجهی نکند، بسیار گناهکار است. او بی گناه است، اگر او خود ناتوان باشد، یا اگر دیگران به او (= بیمار) خدمت خوب کنند.

122 ka bodhisatvä kāṣcānye hvā'ndā puña

kāṣco ne jāndā sañā-na ārragāḍā hamate

123 anārrā ttīyā kai ne jātu yīndā puṣṣo

harbiśśo mato yande kho sūttārna samāte

اگر بودستوه‌ای با تدبیر نگرانی را از فردی که در مورد تقوایش نگران است، برطرف نکند او گناهکار است. اگر نتواند کاملاً آن را رفع کند، [به شرطی که] هر اندیشه‌ای را با سوتره هماهنگ سازد، پس او بی گناه است.

با توجه به آنچه در بندهای بالا ذکر شد، از یک سو بودی ستوه باید خود همواره در حال مراقبه باشد و به ارتقای خود فکر کند و از سوی دیگر نباید نسبت به دیگران بویژه افراد بیمار، غمگین و رنجیده و کسانی که مراتب کمال را طی می‌کنند و نگران تقوای خود هستند غافل شود و همچنین باید گناهکاران را راهنمایی کند تا باعث نجات آن‌ها شود. این بندها دقیقاً به آئین مه‌ایانه اشاره دارد که بودی ستوه باید هم برای نجات خود و هم برای نجات دیگران تلاش کند (Emmerick, 1968: 172-185).

## ۴.۲.۵ دوری نکردن از گناه

118 ka bodhisatvä ne pathamjāte ośa-taraṇa

auśāna hārāna uysnaura ārrī kāḍā

119 ku vātco īyā kye ni pathamjīyā handarā

o ku ne nāsāre nai ju ārrā varā

اگر بودی ستوه بدکاران را از انجام کارهای بد باز ندارد، مرتکب خطایی بزرگ شده است. اگر بازهم دیگری باشد که آنها را از این کارها بازدارد، یا اگر آنها او را نپذیرند، در این صورت مرتکب هیچ خطایی نشده است.

128 ce nṛhīśśāṇa . ce vātcā daṃḍā tcerā  
 ne nā nṛhīśśīye u nā nā daṃḍu yaṇīyā  
 129 ārratāḍā hāmāte tīyā vātcu anārrā  
 ku nā nṛhīśśīyā pathaṃjīyā nā vātco

اگر او (=بودی ستوه) کسانی را باز ندارد یا تنبیه نکند که باید بازداشتی شوند [یا] سپس باید تنبیه شوند، خطاکار است. پس اگر آنها را باز دارد [و] سپس مانع آنها شود، بنابراین بی گناه است.

130 ka bodhisatvā . riddhā vātā hota vāta  
 pva'ṇāna īsāre ne aṇa trāstā hāmāte .  
 132 riddhā ne yande ārragāḍā hāmāte kā-  
 ḍe tīyā anārrā ku ne ne yuḍu yande samu

اگر بودی ستوه قدرت کارهای شگفت‌انگیز را داشته باشد اما [بیاندیشد]: «دیندار از آنها می‌هراسد»، و آنها را به کسانی که ایمان باید در آنها انگیزه شود نشان ندهد، به آنها بی که باید بازداشتی شوند، به آنها بی که، از سوی دیگر، به سبب ترس [از دین] باز می‌گردند، [اگر برای کسی که] در غیر این صورت نتواند نجات یابد، کارهای شگفت‌انگیز را انجام ندهد، بسیار گناهکار است. پس در صورتی بی‌گناه است که تنها نتواند این کارها را انجام دهد.

بودی ستوه موظف است که مردم را از گناهان و اعمال بد برحذر دارد و اگر شخصی مرتکب خطا شد او را تنبیه کند. همچنین اگر دارای نیروی شگفت‌انگیز است که با آن می‌تواند مانع خطای دیگران شود و یا ایمان را در آنها برانگیزاند، باید این کار را انجام دهد، زیرا ممکن است بر اثر این نیرو و توانایی برخی نجات یابند. اما در صورتی که نتواند این کارها را انجام دهد و یا شخص دیگری باشد که وظیفه او را انجام دهد و یا اگر او را برای این امر نپذیرند او مرتکب هیچ خطایی نشده است (Emmerick, 1968: 172-185).

### ۵.۲.۵ پوزش نحواستن و عذر دیگران را نپذیرفتن

82 ku bodhisatvä ttu butte tte tta saittä.

aṣvī auṣṭaimä kṣamevāñi vātcu

83 nai kṣamevīyā ārru byehätä ttīyā

Samu anāvattā kuī jsa ttārtha khijīndä

اگر بودی ستوه این را درک کند: «به نظرش اینگونه می‌رسد: او را به خشم آوردم»، پس باید پوزش بخواند. اگر پوزش نخواهد، پس خطا کار است. بدین ترتیب تنها زمانی بی‌گناه است که مرتدان توسط او مغلوب شوند.

84 kye bodhisatvu kṣamevīndä uysnora

ārratādä hämäte cītā ne nāste kṣamovu.

اگر موجودات از بودی ستوه پوزش بخوانند، اگر پوزش آن‌ها را نپذیرد، گناهکار است. اگر بودی ستوه مرتکب اشتباه شود باید از دیگران عذرخواهی کند، ولی اگر سبب شکست مرتدان شود، نیازی به عذرخواهی نیست و بی‌گناه است. همچنین اگر دیگران به سبب خطایی که انجام داده‌اند، از او عذرخواهی کنند او باید پوزش آن‌ها را بپذیرد و در صورتی که پوزش آنان را قبول نکند، گناهکار خواهد بود (Emmerick, 1968: 172-185).

### ۶.۲.۵ توهین و بد زبانی

81 cī bodhisatvä kāse yīndi uysnorä.

ārragādä hämäte cīyā lāstanu yīndä.

اگر کسی به بودی ستوه بدزبانی کند، نزاع کند او گناهکار است.

112 ka bodhisatvä. haysānandai ṣṭānu handa-

ru ṣṭakulce yande dāta-hvāñandu hamatä

113 ārrī mästā a-nārrä ttīyā samu.

dyaurai vātä ttīyā ṣṭakule yande haṃdaru

اگر بودی‌ستوه‌ای آگاهانه به دیگری توهین کند که او خود اعلام‌کننده قانون است، او مرتکب گناه بزرگی شده است. بنابراین فقط هنگامی بی‌گناه است که، به سبب بیمار بودن، به دیگران توهین می‌کند.

با توجه به بندهای ذکر شده، بودی‌ستوه هرگز نباید به دیگران توهین کند و یا نسبت به آن‌ها بد زبان باشد. ولیکن اگر به دلیل بیماری نسبت به دیگران توهین و بدزبانی کند، برای او گناه محسوب نمی‌شود (Emmerick, 1968: 172-185).

### ۷.۲.۵ ناسپاسی

120 ka bodhisatvä atārañī yīndā tte

ce bodhisatvä paḍā śśāra vīri vāta

121 ārrī [t]t[ī]y[ä] . anārrā sañina ttāte

pathīyu yīndi hāryau dīryau jsa puṣṣo

اگر بودی‌ستوه نسبت به کسی که پیش از این نسبت به بودی‌ستوه مهربان بوده است، ناسپاس باشد، پس خطاکار است. [اما] بی‌گناه است اگر با تدبیر بتواند آن‌ها را کاملاً از انجام اعمال بد باز دارد.

ناسپاس بودن نسبت به دیگران عمل ناشایستی به شمار می‌رود، بویژه اینکه این ناسپاسی نسبت به شخصی صورت بگیرد که پیش‌تر با بودی‌ستوه مهربان بوده است. اگر بودی‌ستوه بتواند این عمل ناشایست را از خود دور سازد و توبه نماید و سپاسگزار شخصی که به او مهربانی و لطف کرده، باشد، در این صورت مرتکب خطا نشده است (Emmerick, 1968: 172-185).

### ۸.۲.۵ ثروت‌اندوزی

57 kye pharu āīmāte kāḍe ttagatu u bastā

varātā aysmūna asaṃduṣṭā bihīyu

58 ārragāḍā hāmāte ka satvānu pracaina

āyīmāte mulśde jsa ttāna hārna anārrā

کسی که به ثروت تمایل بسیار دارد و در اندیشه به آن بسته است، بسیار ناخرسند است، او گناهکار است. اگر به خاطر موجودات، از روی مهربانی، خواستار آن است، بدین سبب بی گناه است.

اگر شخصی ثروت و مال جمع کند که با آن به دیگران کمک و یاری رساند و مشکلات آن‌ها را برطرف کند، در این صورت او گناهی مرتکب نشده، اما اگر این ثروت و دارایی را فقط برای خود بخواد و نسبت به آن حریص باشد بدین ترتیب مرتکب خطای بزرگی شده است (Emmerick, 1968: 172-185).

### ۹.۲.۵ بی احترامی

59 ka hvāṣṭā daiyā. bodhisatvu balondu  
nai pajsamu yīndā ārru byehāte māstu  
60 o dātu pyūṣḍe o jāyāte āṇā  
o ku vā hūṣṭā. ttīyā vātcu anārrā.

اگر او بودی ستوه برتر و نیرومندی را ببیند، [اما] به او احترام نکند، دچار خطای بزرگی می شود. [اگر] او به قانون گوش می دهد یا در حال مراقبه است، یا [اگر] از سوی دیگر، می خوابد، پس همچنین بی گناه است.

اگر بودی ستوه بلند مرتبه‌ای را ببیند و به او احترام نکند مرتکب خطا شده، ولی اگر در حال مراقبه و یا خواب باشد، خطایی برای او محسوب نمی شود (Emmerick, 1968: 172-185).

### ۱۰.۲.۵ تنبلی

88 ka bodhisatvā dīḍete rraṣū hāmāte abāḍā  
hūṣṭā ārragāḍā hāmā-te ku āchānai anārrā

اگر بودی ستوه زیر تسلط کاهلی باشد [و] بی موقع بخوابد، گناهکار است. اما اگر بیمار باشد، بی گناه است.

بودی ستوه‌ای که همواره بخوابد و فعالیت‌های روزانه خود را انجام ندهد، مرتکب عملی ناشایست شده، اما اگر او به سبب بیماری استراحت کند، برای او خطایی به شمار نمی رود (Emmerick, 1968: 172-185).

### ۱۱.۲.۵ پر حرفی

89 saṃgganye yande bodhisatvä haphäre  
ārragāḍā hāmāte dātā pulstā anārrā

اگر بودی ستوه به گردهم آیی رود و پر حرفی کند، گناهکار است، [اما اگر] درباره قانون پرس و جو کند، بی گناه است.

پر حرفی و پرگویی از اعمال ناشایست محسوب می شود، ولی اگر بودی ستوه درباره قانون و آئین بودا تحقیق کند در این صورت او مرتکب عمل ناشایستی نشده است (Emmerick, 1968: 172-185).

### ۱۲.۲.۵ طلب نی ورتّه

92 ka bodhisatvä āstanna brīye kāḍe  
paṃjsa nṛhīyāṇdā nīvaraṇa ośa aysmū  
93 u hā nāhvārde ārragāḍā hāmāte  
kāḍe anārrā ttī-yi kuī tta matā jyāre puṣṣu

اگر پنج نی ورتّه بد که با عشق آغاز می شود، بر اندیشه بودی ستوه کاملاً غالب شوند، و او خواهان آن‌ها باشد، بسیار خطا کار است. پس بسیار بی گناه است زمانی که اندیشه اش چنین باشد: «آن‌ها کاملاً ناپدید می شوند».

پنج حجاب یا پنج مانع سبب تیره شدن دل و مانعی برای شناخت حقیقت هستند. حال اگر بودی ستوه همواره در تلاش باشد که خود را از این پنج مانع دور دارد، بدین ترتیب او گناهی مرتکب نشده است (Emmerick, 1968: 172-185).

### ۱۳.۲.۵ پرسش نکردن درباره آموزش‌ها

90 ka bodhisatvä ūvāyā bādā vāte  
ne pulstā yoggu ārratāḍā hāmāte kāḍe.  
91 anārrā ttīyā kai ne hvāñākā vātā.  
sūtrāṇa vātcu asamā nājsā'kā vāte



مطالعهٔ بایدها و نبایدهای آئین بودا در سرودی به زبان ختنی ۹۵

اگر بودی ستوه در زمان آموزش درباره تمرین و آموزش نپرسد، بسیار گناهکار است. پس اگر او آموزگاری نداشته است، بی گناه است [یا] دوباره، اگر دستورالعمل مطابق سوتره نبود.

اگر بودی ستوه در زمان آموزش پرسش‌های خود را از آموزگار نپرسد، خطا کرده است. اما اگر او آموزگاری نداشته باشد که آموزش‌ها را از او بیاموزد، در این صورت بی گناه است (Emmerick, 1968: 172-185).

### ۱۴.۲.۵ به خدمت گرفتن دیگران

86 ka bodhisatvä paršo nāste pharāko  
vaṭhānu kāḍānā ne nyūjāmate kāḍāna  
87 ārragāḍā hāmāte ku tte kīrā nā nāste  
kau va parsāru dukhyau ttīyā anārrā.

اگر بودی ستوه همراهان بسیاری را برای خدمت، و نه برای آموزش، بپذیرد، او گناهکار است. اما اگر او خدمت آن‌ها را نپذیرد [و بیاندهد]: «باشد که آنان از اندوه نجات یابند!»، پس او بی گناه است (Emmerick, 1968: 172-185).

بودی ستوه نباید افرادی را به خدمت گیرد، حال اگر فکر و اندیشه او کمک و یا قصدش آموزش و نجات آن‌ها باشد، گناهی مرتکب نشده است (Emmerick, 1968: 172-185).

### ۱۵.۲.۵ نیت بد

65 cai ājīṣāte dātu u nei hvāñāte dātu.  
ysurre jsa o hīsañi dīḍete ku butte  
66 ārragāḍā hāmāte ttā marā paršo haṃḡrīya  
cai ne nāsāre. kuī ne butte anārrā

اگر کسی از او درباره قانون بپرسد، گر چه می‌داند، اما از روی خشم، آز و نیت بد قانون را بدو اعلام نکند، خطا کار است. اگر بودی ستوه‌هایی که اینجا در انجمن گرد هم می‌آیند او را نپذیرند، [یا] اگر او این را نداند، بی گناه است.

یکی از وظایف بودی‌ستوه‌ها آگاه کردن مردم از آئین بوداست، اگر او به سبب بدنیتی از آگاه کردن دیگران امتناع کند و آئین و قانون بودا را آموزش ندهد، مرتکب خطا شده و گناهکار است. ولی اگر مردم او را به عنوان شخصی که باید قانون را اعلام کند نپذیرند، در این شرایط او بی‌گناه است (Emmerick, 1968:172-185).

### ۱۶.۲.۵ دروغ و حيله

73 ka vā kuhe yande bodhisatvā vicittre.

nimitta hvāñāte ggūnā cira yīndā

74 ttāna hārna kau mā pajsamā āyau hāvi

ārragāḍā hāmāte mächchā-jīviyo jūtā.

اگر از سوی دیگر، بودی‌ستوه حيله‌های گوناگونی بکار بندد، از نشانه‌ها سخن بگوید، نشانه‌های کوچک را بدین دلیل آشکار سازد که: «بادا که احترام و دعای خیر شما را داشته باشم»، گناهکار است، و زندگی دروغین را خواهد زیست. اگر بودی‌ستوه با مکر و حيله خود را خوب نشان دهد تا در بین مردم محترم باشد، خطا کرده و گناهکار است (Emmerick, 1968:172-185).

### ۱۷.۲.۵ تمسخر کردن و پریشان کردن دیگران

75 ka bodhisatvā ā- yidetu nājsaṣḍe.

naṣkhamttā jaṃphāte uskūṣḍā apracā

76 ārragāḍā hāmāte ka khīrājsa uysnaura

bitanda yīndā ttīyā vātco anārrā

اگر بودی‌ستوه شادی کند، بخندد، بحث و جدل کند، بی‌سبب تمسخر کند، گناهکار است. اگر موجودات را نگران و پریشان سازد، باز هم گناهکار است (Emmerick, 1968:172-185).

## ۶. نتیجه‌گیری

زبان ختنی (سکایی)، جزو زبان‌های ایرانی میانه شرقی به شمار می‌آید و دارای دو گویش ختنی و تمشقی است. مطالعه و بررسی زبان ختنی به دلیل ویژگی‌های زبانی و غنای فرهنگی و پیوستگی آن با آئین بودایی و زبان سنسکریت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ همچنین می‌توان به مشترکات فرهنگی بیشتری میان فرهنگ ایران و هند باستان پی برد. برای بررسی زبان ختنی، کتاب زمبسته، به عنوان منظومه‌ای طولانی به زبان ختنی قدیم، منبع مورد اطمینانی است و به عنوان تصنیفی اصیل و بومی، در چندین فصل آموزه‌های مکتب مهاییانه بودایی را تفسیر می‌کند. فصل دوازدهم این کتاب مشتمل بر مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهای آئین بودا است و فصلی آموزه‌ای محسوب می‌شود. بندهای نخستین این فصل به سمور به معنای خویشن‌داری اخلاقی یا متوقف ساختن اعمال پیشین انسان برای رسیدن به مقام بودی‌ستوه اختصاص دارد که یکی از عالی‌ترین و ارجمندترین مراحل نیل به پرهیزگاری به شمار می‌آید و همانند نگهبانی است که ذهن و حواس آدمی را در تسلط خود دارد و پیوسته می‌کوشد تا هر آنچه را که پست و ناپسند است از او دور سازد تا دستخوش حرص و آز، یأس و ناامیدی نشود و در جهت رسیدن به نیروانه آماده گردد. در حقیقت خویشن‌داری یا سمور راه دوری از گناه است. در فصل دوازدهم کتاب ختنی زمبسته آموزگار شخص را از گناهیانی آگاه می‌سازد که ارتکاب به آنها سبب از دست دادن سمور و تمام خوبی‌ها و فضایل اخلاقی می‌شود. این گناهان به دو گروه اصلی گناهان بزرگ و گناهان کوچک تقسیم می‌شوند که هر کدام شامل گناهان متعددی است. همه گناهیانی که در متن ذکر شد، همگی خطاهایی هستند که بودی‌ستوه باید از آنها دوری کند، تا بتواند سمور را حفظ نماید و در نهایت به ساحل رهایی که همان نیروانه است نائل گردد و خود را از گردونه بازپیدایی یا سنساره برهاند.

## پی‌نوشت‌ها

۱. در منابع بودایی، همه جا، از دو فرقه یا مکتب بزرگ و اصلی نام برده می‌شود که شامل مهاییانه (Mahāyāna) و هی‌نایانه (hīnā-yāna) یا تروادا (theravādā) است. مهاییانه مرکب از دو بخش mahā- به معنای «بزرگ» و yāna به معنای «گردونه» است که روی هم به معنای «گردونه یا چرخ بزرگ» است. در آئین بودا «گردونه» راه رسیدن به آگاهی و گریز از تسلسل و باز پیدایی است. هی‌نایانه نیز مرکب از دو بخش hīnā- به معنای «کوچک، مردود، حقیر» و yāna است که روی

هم به معنای «گردونه یا چرخ کوچک» است. این عنوان را مکتب مهاییانه برای مکتب هی‌نایانه یا تروادا متداول کرده است، زیرا آن را از نظر تعلیمات در مرحله پایین‌تری از خود تصور می‌کند. به گردونه کوچک، گردونه شنوندگان یا شاگردان (śrāvaka.yāna-) نیز می‌گویند. شنوندگان تنها شامل آنانی می‌شود که «قانون را از زبان بودا شنیده‌اند». پس باید مکتب هی‌نایانه یا تروادا قدیمی‌تر و اصیل‌تر از مهاییانه باشد (میرفخرایی، ۱۳۹۲، ۹۵؛ mw.1899,p.1296,col.2,p.849,col.3).

۲. سَمَوَر (Saṃvara) مرکب از پیشوند sam- و ریشه vṛi- به معنای «پوشیدن و پنهان کردن» است (Monier-Williams 1899.1116,col.1;1007,col.1).

۳. نیروانه (Nirvāna) مرکب از پیشوند nir- به معنای «فرو و پایین» و ریشه vā- به معنای «وزیدن» و اصطلاحاً به معنای «انقطاع و خاموشی پدیده‌ها و سکوت محض» است. نیروانه هدف نهایی آموزش‌های بودایی است و مستلزم آن است که جوینده حق نخست به واقعیت حق بیدار شده باشد، مانند خود بودا که زیر درخت روشنایی ناگهان به واقعیت مطلق رسید (میرفخرایی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۰).

۴. سَنَساره (Samsāra) از sam- به معنای «هم» و sāra- از ریشه sī- به معنای «جریان داشتن» است و در مجموع به معنای «بهم رفتن» است که اصطلاحاً در مفهوم پیدایش‌های پی در پی و جریان پیوسته زندگی در دگرگونی‌های مختلف است. نشانه این جریان مستمر زاده شدن، پیر شدن، رنج بردن و مردن است. بودا اساس و شالوده جهان را با واقعیت و عدم واقعیت می‌سنجید و این دو از جهتی دو رکن اصلی آیین بودا را تشکیل می‌دهند. عدم واقعیت یعنی هستی ناپایدار، تسلسل اشیای گذرنده، پیدایش‌های پی در پی، زایش و جریان پیوسته ایجاد (سَنَساره) و واقعیت یعنی خاموشی و پایان یافتن از تسلسل و گریز از دریای باز پیدایی، یعنی نیروانه است (میرفخرایی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۴-۱۳۵؛ پاشایی، ۱۳۸۹، ص ۵۴-۵۵).

۵. منظور از قانون بودا همان آئین مهاییانه است (← پی‌نوشت شماره ۱).

۶. درمه (dharma) واژه سنسکریت و اسم مذکر به معنای «عنصر، پدیده، قانون (= آئین بودا)» است. این واژه در آئین بودا بسیار بکار رفته اما پیش از پیدایش این آیین نیز کاربرد داشته است. درمه از ریشه dhṛ- به معنای «داشتن، نگاه داشتن، بردن» است. در دوران وداها به شکل درمن (dharman) و به معنای «نگاهدار، دارنده و قانون» بکار رفته و سپس معانی «سرشت هر چیز، عنصر، پدیده، قانون، آئین و دین» را نیز پذیرفته است. در این آئین، جهان و هرچه در آن هست به گونه‌ای با یکی از مفاهیم درمه وابستگی دارد، تا آنجا که بوداییان، آئین خود را درمه می‌نامند (میرفخرایی، ۱۳۸۸، ۶۲-۶۳؛ mw.1899,p.510,col.3).

۷. بودهی از  $\sqrt{budh}$ : «بیدار شدن، دریافتن»، به معنای «بیداری، روشن‌شدگی، برترین شناخت» است. که گوتمه شاکيامونی (gautama śākyamuni) با کشف آن به بیداری نائل گشت (پاشایی، ۱۳۵۷،

۱۶۱). روشن شدگی بودا را sammā-sambodhi یا روشن شدگی کامل یا بیداری کامل می نامند. از بودی یا روشن شدگی سه دسته بندی در دست است: ۱. روشن شدگی شاگرد شریف (sāvaka-bodhi)، که اینجا منظور از sāvaka در واقع همان آرَهت است. ۲. روشن شدگی روشنی یافته (= بودا) تکرو یا مستقل (pacceka-bodhi) ۳. روشن شدگی روشنی یافته کامل (sammā-sambodhi) (پاشایی ۱۳۸۹، ۵۴۷-۵۴۸).

۸. پنج مانع یا پنج حجاب (nivarana) دل را تیره و بینش را پوشیده می دارند دلی که این پنج مانع در آن هست به نزدیکی یکدلی هم نمی رسد و برای او شناخت حقیقت محال است. رهرو در نظاره درمه ها نخست به نظاره پنج مانع دل رو می آورد. آنگاه که در او آرزوی رسیدن به کام (kāmacchanda)، بدخواهی (vyāpāda)، تنبلی و افسردگی (thīna-middha)، بی آرامی و پشیمانی (uddhacca-kukkucca)، شکست و دودلی (vicikicchā) باشند، او می داند که این پنج مانع در او هستند. آنگاه که این پنج مانع در او نباشند می داند که این ها در او نیستند. بدین ترتیب با پیروزی بر آن ها، تلاش می کند تا در آینده دوباره در او پیدا نشوند (پاشایی ۱۳۵۷، ص ۱۹).

۹. بودی ستوه (bodhi-sattva). مرکب از دو بخش bodhi به معنای «خرد و آگاهی» و sattva به معنای «جوهر و وجود» و در مجموع به معنای «آنکه جوهرش خرد و آگاهی» است. یکی از ویژگی ها و خصوصیات مکتب مهاییانه عبادت و پرستش بودی ستوه ها یا بوداهای آینده است. بودی ستوه ها موجوداتی اساطیری هستند که از جسم نورانی (sambhogakāya) بوداها بهره مند هستند و جایگاه آن ها در بهشت توشیتا (tuṣitā) قرار دارد. اینان پیامبرانی برای نجات بشر به زمین می فرستند و کسی که خواستار رسیدن به «نیروانه» است، باید راه این بودی ستوه ها را طی کند (میرفخرایی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۶). واژه bodhisattva به صورت <bwdysdf> bōdisadf در پهلوی اشکانی؛ و <bwt'sp> bōdāsf در پهلوی و <bwt(y)stβ> bōdisadf در سغدی و بودیسف در فارسی دری و بوداسف در عربی آمده است (sundermann, 1989). او کسی است که برای رسیدن به مقام بوداگی، یا بوداشدن می کوشد. همه سنت های بودایی مفهوم بوداسف را قبول دارند، اما سنت مهاییانه بیش از دیگران بر آن تاکید می کند و آن را بالاترین آرمان می داند و بر آنند که همه جانداران سرانجام بوداسف و به بیداری کامل نائل آیند. آرمان بوداسف که مقصود از آن رسیدن به مقام بوداگی برای خیر همه موجودات است، با آرمان سنت هینه یانه، یعنی مقام آرَهتی (arhat) یا آرَهت شدن که صرفاً برای رهایی خود از رنج می کوشد، در تقابل است (راسل هینلز، ۱۳۸۹، ص ۳۱۶).

## کتاب نامه

تفضلی، احمد. ۱۳۷۸. تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام. به کوشش ژاله آموزگار. ج ۳، تهران: سخن.

- پاشایی، ع. ۱۳۵۷. *راه آیین (ذمه پده یا سخنان بودا)*. تهران، انجمن فلسفه ایران.
- پاشایی، ع. ۱۳۸۹. *بودا، چ دهم، تهران: نگاه معاصر.*
- میرفخرایی، مهشید. ۱۳۶۶. «قطعه شعری به زبان ختنی»، فرهنگ، شماره یک، پاییز ۱۳۶۶، صص ۲۱۹-۲۳۰. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران.
- میرفخرایی، مهشید. ۱۳۷۱. «رنج جهانی در آئین بودا». فرهنگ، شماره سیزده، زمستان ۱۳۷۱، صص ۲۱۷-۲۳۸. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران.
- میرفخرایی، مهشید. ۱۳۷۵. «گردونه‌های آئین بودا سرودی به زبان ختنی»، فرهنگ، شماره اول، سال نهم، بهار ۱۳۷۵، صص ۹۱-۱۰۴، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران.
- میرفخرایی، مهشید. ۱۳۸۳. *درآمدی بر زبان ختنی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- میرفخرایی، مهشید. ۱۳۸۴. «تمثیل پیل و خانه تاریک و خرد همه آگاه در شعری به زبان ختنی». نامه پارسی، سال دهم، شماره یک، بهار ۱۳۸۴، صص ۳-۱۲.
- میرفخرایی، مهشید. ۱۳۸۸. *اصل خلاء یا تهیگی بنابر آموزه بودا*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- میرفخرایی، مهشید. ۱۳۸۹. «زندگی و مرگ در آئین بودا بنابر یک قطعه ختنی»، *فصلنامه پازند*، شماره بیست و بیست و یکم، بهار و تابستان ۱۳۸۹، صص ۱۰۳-۱۱۸.
- میرفخرایی، مهشید. ۱۳۹۲. «درآمدی بر آثار ادبی زبان ختنی»، *فصلنامه پازند*، شماره سی و دو سی و سه، سال نهم، بهار و تابستان ۱۳۹۲، صص ۸۹-۱۱۰.
- میرفخرایی، مهشید. ۱۳۹۳. ادبیات ختنی. در: تاریخ جامع ایران، ج ۵، تهران، دائرة المعارف بزرگ اسلامی. هینلز، جان راسل. ۱۳۸۹. *ادیان زنده شرق*. ترجمه جمعی از مترجمان، قم، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

- Bailey, H.W. 1967, *Prolexis to the book of Zambasta*, Cambridge university press.
- Bailey, H.W. 1979, *Dictionary of khotan saka*, Cambridge (DKS): Cambridge university press.
- Bhatlacharya, H.S. 1976. *Jain Moral Doctrine*. Bumbay : Jain Sāhitya Vikās maṇḍal.
- Dresden, M.J. 1977, *Khotanese(Saka) Manuscripts: a Provisional Handlist*. ACIR 12, Varia 1976, Téhéran-Liége, pp.27-85.
- Emmerick, R.E. 1968, *The book of Zambasta (Z)*, A khotanese poem on Buddhism, London: oxford university press.
- Emmerick, R.E. 2008, *An introduction to khotanese*. Ed. M. Maggi, J. S. Sheldon, and N. Sims-williams, Weisbaden.
- Emmerick, R.E., 2009, *Khotanese and Tumshuqese*. The Iranian Languages, ed. Gernot Windfur. Pp. 337-415. London and New York.
- Nyanatiloka, 1988 (rep). *Buddhist Dictionary: Manual of Buddhist term and Doctrines*. Ed. Nyanaponika. Srilanka.

مطالعهٔ بایدها و نبایدهای آئین بودا در سرودی به زبان ختنی ۱۰۱

Maggi, M. 2008. Khotanese – literature. <http://www.iranica.com/articles/khotanese-literature>.

Monier-Williams, M. 1899. *Sanskrit – English Dictionary*, oxford: At the clarendon press.

Sundermann, W. 1989. <http://www.iranica.com/articles/bodhisattva-in-the-middle-iranian-languages>.

Sanghvi, Sukhlal, 1974. *Commentary on Tattvārthasūtra of Vācaka Umāsvāti*. trans. by K. K. Dixit. Ahmedabad, L. D. Institute of Indology.

